



اعترافات عامل جنایت در

این جوان اعضای یک خانواده را در مشهد به خون کشید

سیدخلیل سجادیور- عامل جنایت در بلوک ۴ منطقه قاسم آباد مشهد با دستورات ویژه قضایی و تلاش ۴۸ ساعته کارآگاهان اداره جنایی پلیس آگاهی خراسان رضوی در حالی دستگیر شد که با ضربات چاقو اعضای یک خانواده را به خون کشیده بود.

فرمانده انتظامی خراسان رضوی، عصر روز گذشته دقایقی بعد از دستگیری متهمان پرونده «جنایت در بلوک ۴» در گفت و گو با خراسان گفت: بیست و نهم شهریور، گزارش نزاعی خونین بین ساکنان سه واحد آپارتمانی در بلوک ۴ یک مجتمع مسکونی در بولوار حجاب مشهد به پلیس رسید که طی آن اعضای یک خانواده چهار نفره با وارد آمدن ضربات وحشتناک قهقهه به شدت مجروح شده بودند. سردار محمد کاظم تقوی افزود: با حضور پلیس در صحنه حادثه مشخص شد که مجروحان به یکی از مراکز درمانی محلی انتقال یافته اند اما پس از ۲۵ ساله این خانواده که «مهدی-» نام داشت بر اثر عوارض ناشی از اصابت قهقهه جان خود را از دست داده است و دیگر مجروحان که پد ۶۵ ساله، مادر ۵۵ ساله و دختر ۱۵ ساله بودند برای درمان و معالجه از آن مرکز درمانی به بیمارستان طالقانی منتقل و بستری شده اند.

مقام ارشد انتظامی خراسان رضوی تصریح کرد: به دنبال قتل جوان ۲۵ ساله، بی درنگ قاضی ویژه قتل عمد مشهد نیز عازم محل وقوع جنایت شد و به این ترتیب تحقیقات گسترده کارآگاهان اداره جنایی با دستورات محرمانه ای از سوی قاضی احمدی نژاد برای شناسایی و دستگیری عاملان این جنایت ادامه یافت. وی خاطر نشان کرد: بررسی های مقدماتی بیانگر آن بود که تعدادی از اهالی ساختمان به دلیل رعایت نکردن اصول همسایه داری در حالی با یکدیگر دچار اختلاف شده اند که مرد ۶۵ ساله ساکن در یکی از واحدهای بلوک ۴ به فردی که به طور مجروری در واحد دیگری زندگی می کرد، تذکر داد که برخی اصول اخلاقی و اجتماعی را رعایت کند اما این موضوع به مذاق همسایه جوان خوش نیامد و این گونه اختلافات آن ها شکل گرفت.

سکادار امنیت سرزمین خورشید ادامه داد: طبق بررسی های پلیس، در این میان دو مرد ساکن در بلوک ۴ به نام های «س» و «و» با طرح یک نقشه با مرد ۶۵ ساله درگیر می شوند و او را با ضربات کابل کتک می زنند که با ایجاد

شد: به محض این که ادعای «س» در پی سیم های پلیس پیچید، بی درنگ کارآگاهان با مجوز قضایی عازم کلانتری پنجتن شدند و «س» را به مقر پلیس آگاهی هدایت کردند. این مرد ۳۹ ساله که به همراه خانواده اش در ساختمان بلوک ۴ زندگی می کند در بازجویی ها ادعا کرد توسط مرد ۶۵ ساله هدف ضربات چاقو قرار گرفته است اما بررسی های پلیس آلود نقش بر زمین می کند که در این میان پسر ۲۵ ساله خانواده جان خود را از دست می دهد و مرد ۶۵ ساله به همراه دختر ۱۵ ساله و همسر ۵۵ ساله اش در بیمارستان بستری می شوند. سردار تقوی که به خاطر حساسیت پرونده های جنایی، همواره به طور مستقیم بر عملیات های پلیسی نظارت می کند در ادامه این ماجرا تصریح کرد: پس از آن که جوان به زوایای چگونگی وقوع قتل، شبانه در حضور

از دوستانش سوار بر خودروی پژو پارس سفید رنگ به محل آمد و ناگهان به طرف اعضای خانواده مرد ۶۵ ساله هجوم برد. سردار محمد کاظم تقوی با اشاره به عملیات تخصصی دستگیری متهمان افزود: ردیابی متهمان فراری که با تلاش ویژه و شبانه روزی کارشناسان اداره اطلاعات جنایی پلیس آگاهی همراه بود، کارآگاهان را به باغی در یکی از روستاهای اطراف مشهد کشاند و در نهایت همه عوامل مرتبط با این پرونده جنایی فقط طی ۴۸ ساعت دستگیر و سه پنجه عدالت سپرده شدند.

فرمانده انتظامی خراسان رضوی با قدردانی از دستورات به موقع و حضور قاضی ویژه قتل عمد در کنار کارآگاهان اداره جنایی، خاطر نشان کرد: جرایم مهمه و ویژه پرونده های جنایی همواره با همکاری صمیمانه دستگاه قضایی و تلاش های شبانه روزی به نتیجه رسیده است که این امر همچنان موجب «احساس امنیت» در شهروندان می شود.

گزارش خراسان حاکی است، در همین حال رئیس پلیس آگاهی خراسان رضوی نیز درباره



جزئیات دستگیری عامل این جنایت مرگبار و دیگر متهمان پرونده جنایت در بلوک ۴ به خراسان گفت: ساعتی بعد از انجام تحقیقات مقدماتی در محل وقوع جنایت، جلسه کارشناسی و تجزیه و تحلیل این پرونده جنایی در حضور قاضی علی اکبر احمدی نژاد برگزار شد و بلافاصله گروه ویژه ای از کارآگاهان به سرپرستی سرهنگ بهرامزاده (رئیس اداره جنایی) عملیات گسترده ای را در چند شاخه اطلاعاتی آغاز کردند. سرهنگ جوادشفیع زاده افزود: پس از دستگیری «س» در کلانتری، بی درنگ کارآگاهان با استفاده از

راهنمایی های مقام قضایی، مخفیگاه «مجتبی» (متهم به قتل ۳۶ ساله) را در منطقه پنجتن مشهد به محاصره درآوردند اما او که متوجه دستگیری «س» (دایبی اش) شده بود به مکان نامعلومی گریخت. در عین حال کارآگاهان به ردیابی او پرداختند. این مقام ارشد انتظامی خاطرنشان کرد: از سوی دیگر عملیات در چند شاخه اطلاعاتی ادامه یافت تا این که سرخ هابه باغی در یکی از روستاهای اطراف مشهد رسید که نشان می داد یکی از متهمان تحت تعقیب در آن جا مخفی شده است. بنابر این کارآگاهان، عملیات دستگیری وی را به تأخیر انداختند و با زیر نظر گرفتن وی، متوجه شدند که «مجتبی» به همراه یکی از دوستانش سوار بر پراید به طرف باغ در حرکت هستند. سرهنگ شفیع زاده ادامه داد: پس از هماهنگی با قاضی ویژه قتل عمد، کارآگاهان در یک عملیات ضربتی و هماهنگ، چهار متهم اصلی پرونده را دستگیر کردند که دقایقی بعد نیز با حضور قاضی احمدی نژاد در اتاق بازجویی پلیس آگاهی خراسان رضوی تحقیق از آنان ادامه یافت. گزارش خراسان حاکی است، «مجتبی» (متهم به قتل) که هنوز از چگونگی دستگیری خود در شوک بود، شب گذشته به سوالات تخصصی قاضی شعبه ۲۰۸ دادسرای عمومی و انقلاب مشهد پاسخ داد و به صراحت ارتکاب جنایت را پذیرفت. در این بازجویی که تا پاسی از شب ادامه داشت، متهم این پرونده جنایی گفت: وقتی دایبی با من تماس گرفت من سوار بر پژو پارس دوستم شدم



و به طرف بولوار حجاب قاسم آباد رفتم. آن جا بود که دیدم همه زیر پله ها جمع شده اند من هم با چاقو به سمت مرد ۶۵ ساله و خانواده اش حمله کردم و بعد با دایبی ام به منزل مادرم در پنجتن رفتم. آن جا نقشه کشیدیم که چگونه چاقو کشی را به گردن مرد ۶۵ ساله بیندازیم به همین دلیل تصمیم گرفتیم با زخمی کردن خودمان چنین وانمود کنیم که آن ها ما را با چاقو زده اند!

اما وقتی «س» در کلانتری دستگیر شد من هم از آن جا گریختم. در همین حال «س» (متهم دیگر پرونده) به قاضی ویژه قتل عمد گفت: به دلیل اختلافاتی که با حسن (همسایه) پیدا کرده بودیم تصمیم گرفتیم او را ادب کنیم به همین خاطر من و «و» (همسایه دیگر) به پشت بام مجتمع رفتیم و کابل آنتن او را قطع کردیم. وقتی مرد ۶۵ ساله برای بررسی آنتن به پشت بام آمد من با کابلی که در دستم بود او را کتک زدم اما با سر و صدای او پسر و دخترش نیز هر اسان به پشت بام آمدند که به ناچار آن ها را نیز زدم. وقتی پلیس به محل آمد به آن ها گفتیم که مرد ۶۵ ساله بشقاب آنتن ماهواره را پایین انداخته است به همین دلیل با هم درگیر شده ایم. اما با رفتن پلیس من به خواهرزاده ام زنگ زدم که با حضور او در محل، این حادثه رخ داد. گزارش خراسان حاکی است، تحقیقات بیشتر در باره زوایای پنهان این پرونده جنایی و دستگیری دیگر عوامل مرتبط با این جنایت حولناک همچنان ادامه دارد.

دستگیری عامل شهادت رئیس پلیس مبارزه با مواد مخدر فهرج در کمتر از یک ساعت

دستگیری ۴ نفر از عوامل اصلی

سردار "عبدالرضا ناظری" گفت: از همان ساعات اولیه این حادثه طی طرح عملیاتی، رزمندگان پلیس مبارزه با مواد مخدر، شناسایی و دستگیری دیگر عاملان شهادت شهید رئیسی را در دستور کار خود قرار دادند و با انجام اقدامات اطلاعاتی در کمتر از یک ساعت چهار نفر از عوامل اصلی و "ذخیر" در شهادت رئیس پلیس مبارزه با مواد مخدر شهرستان فهرج را در مخفیگاه شان دستگیر کردند. بنا بر این گزارش، رحمان مزیدی رئیس حوزه قضایی شهرستان فهرج هم گفت: نشست شورای تأمین شهرستان فهرج به منظور بررسی ابعاد این درگیری برگزار شد. پیکر پاک شهید رئیسی روز گذشته بردستان مردم شهیدپرور بم



تشیع و در گلزار شهدا به خاک سپرده شد. شایان ذکر است، داماد سروان رئیسی، رئیس پلیس دلاور مبارزه با مواد مخدر شهرستان فهرج کرمان نیز در سال ۹۶ در درگیری با سوداگران مرگ به شهادت رسید. پیکر پاک شهید رئیسی نیز به شهادت شهیدش پیوست.

حادثه در قاب



تسنیم- تصادف ساندرو با اتوبوس در تهران یک کشته و سه زخمی برج گذاشت.

کوتاه از حوادث

● **مهر/**سرهنگ حسین جمال دار فرمانده انتظامی تالش گفت: سه نفر از اعضای یک خانواده به دلیل آشنای بودن به فنون شنا در سواحل دریای خزر در بخش حویق شهرستان تالش غرق شدند.

● **رکنا/** قسمتی از شرکت میهن در شهر لنینائی میهن واقع در جاده شورآباد شب گذشته دچار آتش سوزی شد.

● **مهر/**اسر کلانتر هفتم پایتخت از دستگیری سارق مغازه ای از بازار و کشف ۲۵۰ جفت کفش کتانی مسروقه بلافاصله پس از سرعت خبر داد و گفت: متهم در حال انتقال اموال مسروقه با چرخ دستی اش شناسایی شد.

● **شبکه خبر/**اسرهنگ محمدرضا رضایی رئیس پلیس فتای کیش ضمن هشدار درباره نوعی کلاهبرداری گفت: مخاطب یا قربانی به تصور این که این درخواست کمک مالی از سوی دوست واقعی او انجام شده است مبالغه را به حساب شماره اعلامی واریز می کند غافل از این که این پول به حساب مجرمان واریز شده است.

● **رکنا/**انتخاب گز شهری در خانه ای در آبادان دختر ۱۲ ساله و برادر شش ساله اش را به کام مرگ کشاند و مادر باردارشان نیز صبح دیروز جان باخت. ● **رکنا/**پسر جوان اهل بیرجند در محدوده روستای ارشدیر محله و در خانه تچن ساری غرق شد. عایر پیاده که قصد عبور از عرض آذرآهه کرج-قزوین را داشت، با خودروی پژو پارس بر محور دووقوت کرد.

صفحه آرایي

واحد صفحه آرایي روزنامه خراسان
سفارش می پذیرد
۰۵۱۳۷۰۰۹۳۹۰
layout@khorasannews.com

گروه لوازم خانگی یاس

YASS GROUP



استخدام ۲۰ نفر فروشنده آقا

استخدام ۴ نفر حسابدار خانم

۰۹۰۱۸۷۲۵۹۰۰

در امتداد روشنایی

قصه چشمان نرگس!

از لحظه ای که ماجرای ازدواج یک دختر برای نجات مادرش را در ستون «در امتداد تاریکی روزنامه خراسان» خواندم، آشوبی عجیب در روح و روانم پدیدار شد، چرا که سرگذشت آن دختر مرا در اوج خاطرات روزهای تباهی و اعتیادم فروبرد و تصمیم گرفتم که ...

این بار بخشی از اظهارات مرد ۳۵ ساله ای است که مدعی بود با ترک اعتیاد، از اعماق تاریکی ها به بلندی روشنایی سفر کرده و با کشتی ایمان و خودباوری، خود را از جزیره فلاکت و بدبختی به ساحل خوشبختی رسانده است. این مرد جوان در حالی که صفحه حوادث روزنامه خراسان را به مشاور کلانتری نشان می داد و اصرار داشت که شرایطی برای ملاقات او با زن معتاد قصه ستون «در امتداد تاریکی» فراهم شود، درباره سرگذشت و نجات خودش از اجزای اعتیاد به کارشناس اجتماعی کلانتری شفاي مشهد گفت: همه چیز از روزی آغاز شد که به تقاضای مادرم و برای خرید به فروشگاه مواد غذایی محله رفتم. در آن روز گرم تابستانی وقتی پا به درون مغازه «اصغر آقا» گذاشتم، ناگهان نگاهم با نگاه دختری زیبا تلاقی کرد و به یک باره قلبم لرزید و عاشق دختری شدم که به همراه مادرش درون فروشگاه ایستاده بود. در حالی که هیچ گاه فکر نمی کردم باورده به بقالی اصغر آقا مسیر زندگی ام تغییر کند، شماره تلفنم را روی تکه کاغذی نوشتم و پنهانی به دست آن دختر دادم. من که جوانی ۲۲ ساله بودم، احساس می کردم دختر رویا هیم را روی زمین یافته ام و بی صبرانه منتظر تماسش ماندم. هر ثانیه برایم سالی می گذشت تا این که چند روز بعد با دیدن پیامک آن دختر تبرق عجبی در چشمانم درخشید.

بلافاصله با جمله ای زیبا پاسخش را دادم و این گونه گرفتار چشمان زیبایی نرگس شدم. ارتباط عاطفی عمیقی با این عشق خیابانی بین من و نرگس آغاز شد تا این که از خانواده ام خواستم او را برایم خواستگاری کنند ولی پدرم با تحقیق از محله آن به خود توجه شد که پدر و مادرش نرگس به مواد مخدر اعتیاد دارند و برادرانش از اوباش سابقه دار محله هستند. اگر چه پدرم با این ازدواج مخالفت کرد اما من چیزی از حرف های پدرم نمی فهمیدم. پدرم نمی فهمید من به چشمان آن دختر دل باخته بودم و به این حرف ها اهمیتی نمی دادم. بالاخره پدرم با چشمانی اشک آلود و بعضی غریب تر نسبت به نرگس را برایم خواستگاری کرد. مدتی بعد از آغاز زندگی مشترکمان، احساس می کردم در ارتباط خصوصی با همسر مشکلاتی دارم و نمی توانم به درستی عواطف و احساسات او را درک کنم. این گونه بود که به جای مراجعه به مشاوران خانوادگی یا پزشکان متخصص، به پیشنهاد همسر مصرف مواد مخدر سنتی را آغاز کردم، چرا که مصرف مواد برای او امری طبیعی بود و من برای برقراری هر رابطه خصوصی و عاطفی به دنبال مواد افیونی بودم تا به قول معروف لحظاتی شاد و سرخوش را تجربه کنم. زمانی به خود آمدم که دیگر مهر اعتبار بر پیشانی ام خودنمایی می کرد و هر روز مقدار مصرفم بالاتر می رفت تا جایی که به ناچار به مواد مخدر صنعتی روی آوردم و زندگی ام در مسیر تباهی قرار گرفت. از کار اخراج شدم دیگر نتوانستم مخارج زندگی و هزینه های اعتبارم را تأمین کنم. نرگس هم که در شرایط سخت بی پولی قرار گرفته بود مرا ترک کرد و طلاق گرفت. باورم غلام افسردگی و توهمات ناشی از مواد مخدر صنعتی، همه افرایانم مرا هرا کردند. از سوی دیگر نتوانستم اجاره منزل مرا پرداخت کنم و این گونه بود که کارتن خواب شدم و سر از پاتوق های سیاه حاشیه شهر در آوردم. بارها توسط ماموران انتظامی به عنوان معتاد متجاهر دستگیر و بارها مراکز ترک اعتیاد اجباری شدم اما به محض آزادی از آن جا، دوباره به روزهای تلخ گذشته ام باز می گشتم. دیگر به آخر خطر سیده بودم به طوری که مرگ برابم عروسی بود. در یکی از همین روزها، زمانی که از شدت خماری نمی توانستم چشمانم را باز نگه دارم، با یکی از دوستان معتاد قدیمی ام برخورد کردم. «کمال»

سر حال و شاداب مقابلم ایستاده بود. باورم نمی شد. فکر می کردم باز هم توهم می بینم اما او دستم را گرفت و مرا با خودش به جلسات انجمن معتادان گمنام برد. آن رشته مهربان به یاری ام شتافت و با کمک خیران مرا از این بیماری وحشتناک نجات داد. هر بار که وسوسه مصرف سراغم می آمد، کمال را کنار می دیدم که به من امید می داد. مدتی بعد پدرم مرا با آغوش باز پذیرفت و دوباره روزگار شیرینم آغاز شد. بعد از آن به همراه برادرم کارگاه تولیدی راه اندازی کردم و اوضاع مالی ام هر روز بهتر شد تا این که چند روز قبل دوباره وارد بقالی اصغر آقا شدم و به یاد روزی افتادم که چشمان زیبایی نرگس زندگی ام را به نابودی کشاند اما هنگامی که از آن جا بیرون آمدم روزنامه خراسان را خریدم و قهقهه تلخ آن دختر را خواندم به کلانتری آمدم تا با کمک به او، من هم کمالی برای داستان او باشم و ...

ماجرای واقعی با همکاری پلیس پیشگیری

خراسان رضوی